سیری در مکاتب اقتصادی

چسبندگی دستمزد و قیمت ها رویکرد مکتب جدید کینزی

اقتصاد کینزی جدید ، یک مکتب فکری در اقتصاد کلان مدرن است که تکامل یافته ایده های جان میناردِ کینز است. کینز کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول را در دهه ۱۹۳۰ نوشت و نفوذ وی در میان دانشگاهیان و سیاستگذاران تا دهه ۱۹۶۰ افزایش یافت. اختلاف نظر اولیه میان اقتصاددانان کینزی جدید و کلاسیک جدید دربرگیرنده سرعت تعدیل دستمزدها و قیمت هاست. روز پنجشنبه مقاله مکتب کینزی جدید را از نظر گذراندید. اینک ادامه (قسمت پایانی) آن را می خوانید.

[گریگوری منکیو/ ترجمه: دکتر سیدحسین میرجلیلی*]

برخی اقتصاددانان کینزی جدید مطرح کرده اند که رکود، ناشی از ناتوانی در هماهنگی است. هماهنگی می تواند در تعیین دستمزدها و قیمت ها، مطرح شود، زیرا آنان که قیمت ها را تنظیم می کنند باید اقدام های سایر تعیین کنندگان قیمت و دستمزد را پیش بینی کنند. رهبران اتحادیه کارگری که برای دستمزدها مذاکره می کنند، به امتیازات آتی سایر اتحادیه های کارگری، توجه دارند. بنگاه هایی که قیمت ها را تعیین می کنند، مراقب قیمت هایی هستند که سایر بنگاه ها مطالبه خواهند کرد. برای دیدن این که چگونه رکود می تواند به عنوان ناتوانی در هماهنگی مطرح شود، به این مطلب توجه کنید: اقتصاد از دو بنگاه تشکیل شده است. بعد از کاهش عرضه پول، هر بنگاه باید تصمیم بگیرد که آیا قیمت خود را کاهش دهد یا نه؟ هر بنگاه خواهان حداکثرسازی سود است، اما این سود نه تنها به تصمیم قیمت گذاری بستگی دارد، بلکه به تصمیم اتخاذ شده بنگاه دیگر نیز بستگی خواهد داشت. اگر هیچ کدام از بنگاه ها قیمت خود را کاهش ندهند، حجم پول واقعی (حجم پول تقسیم بر سطح قیمت) کم می شود، رکود رخ می دهد و هر بنگاه سودی به میزان تنها ۱۵ دلار به دست می آورد.

اگر هر دو بنگاه قیمت خود را کاهش دهند، موازنه های (مانده های پول واقعی) بالا رفته، از رکود اجتناب شده است و هر بنگاه سودی به میزان ۳۰ دلار به دست می آورد. هر چند هر دو بنگاه ترجیح می دهند از رکود اجتناب کنند اما هیچ کدام نمی توانند با اقدام های خود چنین کنند. اگر یک بنگاه قیمت را کاهش دهد، اما بنگاه دیگر این چنین عمل نکند، رکود در پی آن می آید. بنگاهی که قیمت را کاهش می دهد، تنها پنج دلار به دست می آورد، در حالی که بنگاه دیگر ۱۵ دلار.

اساس داستان این است که تصمیم هر بنگاه، بر مجموعه ای از نتایج (پیامدهای) موجود برای بنگاه دیگر اثر می گذارد. وقتی یک بنگاه قیمت را کاهش می دهد، آن بنگاه فرصت های در دسترس بنگاه دیگر را بهبود می بخشد. زیرا بنگاه دوم می تواند در این صورت با کاهش دادن قیمت از رکود اجتناب کند. اثر مثبت کاهش قیمت یک بنگاه بر فرصت های سودآور بنگاه دیگر ممکن است به خاطر برون زایی تقاضای جمعی، به وجود آید.

طرح: بابک دلنگی

در این اقتصاد، باید انتظار چه نتیجه ای داشت؟ از یک سو، اگر هر بنگاه انتظار داشته باشد که بنگاه دیگر قیمت را کاهش دهد، هر دو قیمت ها را کاهش خواهند داد که نتیجه اش مطلوب خواهد بود که در آن هر یک از بنگاه ها ۳۰ دلار به دست می آورند. از سوی دیگر اگر هر بنگاه انتظار داشته باشد که بنگاه دیگر قیمت را حفظ کند، هر دو قیمت های خود را حفظ خواهند کرد که به درآمد نازل تر هر یک حدود ۱۵ دلار می انجامد. بنابراین امکان هر یک از این نتایج، یعنی تعادل های چندگانه وجود دارد.

مثال مذکور از ناتوانی درهماهنگی است. اگر دو بنگاه بتوانند با یکدیگر هماهنگ شوند، هر دو قیمت خود را کاهش خواهند داد و به نتیجه مطلوب دست می یابند. در جهان واقعی برخلاف این داستان، بیشتر اوقات هماهنگی مشکل است زیرا تعداد بنگاه هایی که قیمت ها را تعیین می کنند، زیاد است و نتیجه اخلاقی آن بیانگر این است که حتی اگر قیمت های چسبنده به نفع هیچ کس نباشد، باز هم می تواند به سادگی چسبنده باشد زیرا مردم از آنها چنین انتظاری دارند

سومین نظریه دستمزد کارایی معتقد است، دستمزد بالا تلاش کارگر را بهبود می بخشد. طبق این نظریه بنگاه ها نمی توانند به طور کامل تلاش کاری کارکنان را کنترل کنند و کارکنان باید خودشان تصمیم بگیرند که تا چه حد سخت کار کنند

● دستمزدهای کارایی

بخش مهم دیگر اقتصاد کینزی جدید، گسترش نظریه های جدید بیکاری بوده است. بیکاری مزمن برای نظریه اقتصادی یک مسئله است. به طور معمول اقتصاددانان فرض می کنند اضافه عرضه نیروی کار، فشاری برای کاهش دستمزدهاست. با کاهش دستمزدها و در نتیجه افزایش نیروی کار، بیکاری نیز کاهش خواهد یافت. بنابراین طبق نظریه اقتصادی استاندارد، بیکاری یک مسئله خود تصحیح کننده است.

اقتصاددانان کینزی جدید بیشتر گرایش به نظریه هایی دارند که دستمزدهای کارایی نامیده می شود و برای توضیح امکان شکست سازوکار تسویه بازار به کار می رود. این نظریه ها معتقدند که دستمزدهای بالا، بهره وری کارگران را افزایش می دهد. تأثیر دستمزدها بر کارایی کارگر می تواند شکست بنگاه ها در کاهش دستمزدها را به رغم اضافه عرضه نیروی کار توضیح دهد. حتی اگر کاهش دستمزد، موجب کاهش صورتحساب دستمزد بنگاه شود. اگر نظریه ها درست باشند، بهره وری کارگران و سود بنگاه نیز تنزل پیدا می کند.

نظریه های متعددی درباره چگونگی اثر دستمزد بر بهره وری کارگر وجود دارد. یک نظریه دستمزد کارایی معتقد است که دستمزدهای بالا، جایگزینی کارکنان را کاهش می دهد. کارگران به دلایل متعددی از مشاغل خارج می شوند تا شغل بهتری در سایر بنگاه ها بیابند تا حرفه خود را تغییر داده و یا به بخش های دیگر کشور منتقل شوند.

هر قدر یک بنگاه دستمزد بیشتری به کارگرانش بپردازد، انگیزه آنها برای ماندن در بنگاه، افزایش می یابد. بنگاه با پرداخت دستمزد بالاتر، فراوانی ترک کار را کاهش می دهد و از این راه زمان کمتری برای استخدام و آموزش (کارآموزی) کارگران جدید صرف می شود.

دومین نظریه، معتقد است متوسط کیفیت نیروی کار یک بنگاه، بستگی به دستمزدی دارد که به کارکنان خود می پردازد. اگر یک بنگاه دستمزدها را کاهش دهد، بهترین کارکنان می توانند آن را ترک و در جای دیگر مشاغلی بیابند. در نتیجه بنگاه با کارکنان کمتر مولدی که دارای گزینه های کمتری هستند، باقی می ماند. با پرداخت دستمزد بالای سطح تعادل، بنگاه می تواند از این انتخاب زیان آور اجتناب کند، کیفیت متوسط نیروی کار را بهبود بخشد و از این راه بهره وری را افزایش دهد.

سومین نظریه دستمزد کارایی معتقد است که دستمزد بالاتلاش کارگر را بهبود می بخشد. طبق این نظریه بنگاه ها نمی توانند به طور کامل تلاش کاری کارکنان را کنترل کنند و کارکنان باید خودشان تصمیم بگیرند که تا چه حد سخت کار کنند. کارگران می توانند انتخاب کنند تا سخت کار کنند، یا شانه خالی کنند. می توانند به ریسک خود ادامه داده تا اخراج شوند. بنگاه می تواند تلاش کارگر را با پرداخت دستمزد بالا افزایش دهد. هر قدر دستمزد بالاتر باشد، هزینه آن برای کارگری که اخراج شود بیشتر است. با پرداخت دستمزد بالاتر، یک بنگاه کارکنان بیشتری را تشویق به کار می کند و در نتیجه بهره وری افزایش می یابد.

● پیامدهای سیاست اقتصادی

از آنجا که اقتصاد کینزی جدید یک مکتب فکری مرتبط با نظریه اقتصاد کلان است، طرفداران مکتب کینزی جدید دیدگاه یکسانی درباره سیاست اقتصادی ندارند. در گسترده ترین سطح، اقتصاد کینزی جدید - در برابر برخی نظریه های کلاسیکی جدید - رکودها را نمایانگر کارکرد کارای بازارها نمی داند. عناصر اقتصاد کینزی جدید مانند هزینه های فهرست انتخاب، قیمت های تنظیم شده به طور متناوب، شکست در هماهنگی و دستمزدهای کارایی؛ بیانگر انحرافات (دور شدن) بسیار از فروض اقتصاد کلاسیکی است که مبنای فکری برای توجیه معمول اقتصاددانان را از اقتصاد آزاد (لسه فر) فراهم می کند. در نظریه های کینزی جدید، رکودها به سبب برخی ناتوانی های بازار در سراسر اقتصاد به وجود می آید. بنابراین اقتصاد کینزی جدید منطقی برای مداخله دولت در اقتصاد مانند سیاست مالی یا پولی ضدچرخه ای فراهم می کند. با این همه، این که آیا سیاستگذاران باید در عمل مداخله کنند، پرسش مشکلی است که متضمن قضاوت های اقتصادی و همچنین سیاسی است.

*دانشیار پژوهشکده اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی

منابع در دفتر روزنامه موجود است

پیش بینی صندوق بین المللی پول درباره رشد اقتصادی

[مترجم: اسد شکورپور/ منبع: النبا]

صندوق بین المللی پول طی گزارشی آفاق اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۸ را پیش بینی کرد. در گزارش صندوق بین المللی پول آمده است تاکنون اقتصاد کشورهای در حال توسعه تأثیر شدیدی از بحران بازارهای مالی نپذیرفته اند و آنها همچنان روند رشد سریع خویش را ادامه می دهند. براساس انتظار و برآورد گزارش فوق رشد اقتصادی چین از ۱۱/۴ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۹/۳ درصد در سال ۲۰۰۸ خواهد رسید و رشد اقتصادی هند نیز از ۹/۲ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۷/۹ درصد در سال ۲۰۰۸ می رسد. در این گزارش مبارزه با بحران های داخلی توسط برخی از کشورها که ناشی از تقاضای زیاد در این کشورها و تورم است از جمله تهدیدات و چالش ها برشمرده شده؛ چالش هایی که باعث افزایش قیمت کالاهای غذایی و انرژی شده است. طبق گزارش صندوق بین المللی پول سود بورس های منطقه ای در ماه های آغازین سال ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته کاهش یافت که علت آن به رکود اقتصادی آمریکا و تأثیر آن بر نظام های مالی منطقه بازمی گردد. یکی دیگر از خطراتی که ممکن است در ادامه سال ۲۰۰۸ منطقه خاورمیانه را تهدید کند کاهش صادرات است اما صندوق بین المللی پول تأکید کرده به لطف حجم زیاد مبادلات در آسیا تأثیرات رکود اقتصادی جهان بر کاهش صادرات منطقه ناچیز خواهد بود.

طبق پیش بینی صندوق جهانی رشد مجموع تولید ناخالص ملی ژاپن به ۱/۴ درصد تا پایان سال ۲۰۰۸ می رسد در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۷، ۲/۱ درصد بوده است و رشد اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا تا پایان سال ۲۰۰۸ به ۵/۸ درصد خواهد رسید که میانگین رشد در این منطقه در سال ۲۰۰۷، ۳/۶ درصد بوده است. اما میانگین رشد در کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور از ۵/۶ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۴ درصد در سال ۲۰۰۸ خواهد رسید. صندوق بین المللی پول در ادامه گزارش میانگین رشد اقتصادی در سطح جهان را نیز اعلام کرده است. طبق برآوردهای صندوق بین المللی پول رشد اقتصادی جهان تا پایان سال ۲۰۰۸ به ۳/۷ درصد کاهش خواهد یافت در حالی که میانگین رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۷، ۴/۹ درصد بود، همچنین صندوق فوق رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۹ را ۳/۸ درصد برآورد کرده است. براساس آمارهای گزارش فوق رشد اقتصادی در ۱۵ کشوری که از یورو استفاده می کنند کندتر خواهد شد و به ۱/۲ الی ۱/۴ درصد خواهد رسید در حالی که این کشورها در سال ۲۰۰۷ میانگین رشد ۲/۶ درصدی را به ثبت رسانده بودند.

طبق برآوردهای گزارش صندوق جهانی پول رشد اقتصادی آمریکا به ۰/۵ و ۰/۶ درصد کاهش خواهد یافت در صورتی که رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۰۷ به ۲/۷ درصد رسیده بود. اقتصاد انگلیس نیز رشد ۱/۶ درصدی را تجربه خواهد کرد در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۷، ۳/۱ درصد بود. اقتصاد ژاپن در سال ۲۰۰۷، ۲/۱ درصد و کانادا ۲/۷ درصد رشد اقتصادی داشتند اما براساس برآوردهای انجام شده رشد اقتصادی این کشورها در سال ۲۰۰۸ به ۱/۴ الی ۱/۵ و ۱/۳ الی ۱/۹ درصد خواهد رسید. طبق انتظار صندوق بین المللی پول میانگین رشد اقتصادی آفریقا به ۳/۶ الی ۶/۳ درصد خواهد رسید که این رقم در سال ۲۰۰۷، ۶/۳ درصد بود و رشد اقتصادی مرکز و شرق اروپا نیز از ۵/۷ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۴/۳ الی ۴/۴ درصد خواهد رسید. صندوق بین المللی پول میانگین رشد اقتصادی در کل آسیا در سال ۲۰۰۸ را ۸/۲ درصد و در سال ۲۰۰۹ را ۸/۴ درصد پیش بینی کرده که نسبت به سال ۲۰۰۷ که ۹/۷ درصد بود کاهش را نشان می دهد. در عین حال میانگین رشد در کشورهای خاورمیانه از ۵/۸ درصد سال گذشته به ۶/۱ درصد در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ افزایش خواهد یافت.

نکته

بازخوانی گفته های وزیر در مراسم تودیع

آقای دانش جعفری (وزیر سابق اقتصاد و دارایی) در مراسم تودیع خود، سخنانی گفتند که علی رغم گذشت چند هفته از آن، هنوز نقل برخی محافل خبری است. از این رو لازم دیده شد تا برخی از محورهای سخنان ایشان مورد نقد و ارزیابی منصفانه قرار گیرد.

ایشان می گوید: «در دولت آقای احمدی نژاد، بسیاری از مفاهیم پذیرفته شده علم اقتصاد در دنیای امروز از قبیل تأثیر تغذیه‌گی در تورم یا چگونگی تقسیم کار مطلوب بین دولت و مردم زیر سؤال بود.»

در پاسخ باید گفت: دولت به اثر تغذیه‌گی بر تورم توجه دارد و... اما این که نباید به طور کلی به تئوری های غربی دل خوش کرد، این نه تنها از نقاط ضعف آقای رئیس جمهور نبوده بلکه بزرگ ترین نقطه قوت ایشان در برنامه ریزی است. توضیح بیشتر آنکه، مفاهیم اقتصادی از قبیل مفاهیم علوم تجربی نیست که در آزمایشگاه ثابت شده باشد. البته این وجه بارز همه علوم انسانی از جمله علم اقتصاد است. مفاهیم اقتصادی، تحت تأثیر فلسفه اقتصاد و در مواردی فلسفه اخلاق و به ویژه مکتب های سیاسی- اجتماعی قرار دارد. برای مثال می توان ادعا کرد که «تئوری دولت رفاه» که بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا مطرح شد از یک سو تحت تأثیر فشارهای ناشی از ویرانی های جنگ دوم جهانی بود و از سوی دیگر، تحت تأثیر «فلسفه اصالت سود و لذت» همچنین کوئینسم نیز مبتنی بر مکتب خود، اقتصاد دولتی را مطرح و بر این اساس، فرمول هایی را پیشنهاد و عملی کرد. امروزه همه این مباحث در پوشش علم اقتصاد مطرح می شود. آیا شایسته است که ما چشم و گوش بسته به این مفاهیم ساختگی دل ببندیم و آن ها را تحت عنوان «علم»، تقدیس کنیم؟! [البته جای انکار نیست که بخشی از مطالب مطرح در علم اقتصاد امروز، صحیح، منطقی و دارای پشتوانه عقلانی و تجربی است.] در میان این نظریات چند نظریه به طور جدی و اساسی، «نظریه عدالت اجتماعی- اقتصادی» را در دل خود جای داده اند؟! فراموش نکنید که منظور ما از عدالت اجتماعی- اقتصادی، همان چیزی نیست که امروزه با عنوان بیمه کاری و درمان و... مطرح است؛ بلکه پرسش اینجا است که کدامیک از این نظریات، مبتنی بر عدالت اجتماعی، ساز و کار نظام اقتصادی را جهت نظام تولید، توزیع و مصرف، ارائه کرده اند؟ درست است که ما هنوز در اول راهیم و تا رسیدن به مفاهیم اقتصاد عدالت محور، فاصله داریم، اما راه دستیابی به توسعه اقتصادی متوازن و عادلانه، بهره گیری کامل و درست از آموزه های علم کنونی اقتصاد نیست. در این باره گذشته از وظایف مراکز علمی (اعم از حوزه و دانشگاه)، دولتمردان باید با میدان دادن به نظریه پردازان بومی، پخیندان حاصل از این فضاها را بشکنند و طرحی نو درافکنند تا راه رسیدن به عدالت اجتماعی هموارتر گردد.

ایشان در قسمتی دیگر از سخنرانی خود، به تأثیر تغذیه‌گی در تورم اشاره کرده است. سؤال اینجا است که آیا این تورم فقط در اثر تغذیه‌گی است یا ناشی از مسائل دیگر هم بوده است؟ به نظر می رسد باید به مسائل دیگر از جمله برخی سیاست های بانکی در این زمینه نیز توجه داشت. برای مثال بانک ها گاهی درصد بالایی از کمک جوایز سرمایه های مردمی را برای سرمایه گذاران در اموری مانند خرید و فروش زمین و مسکن صرف می کنند. خوشبختانه آقای رئیس جمهور به این مسئله پی برده و با اتخاذ تصمیماتی در صدد کنترل این مسئله برآمده است که امیدواریم در اجرای آن موفق باشد.

آقای دانش جعفری دربخش دیگری از سخنان خود، ربوی بودن افزایش سود بانکی را زیر سؤال برده و معتقد است کاهش سود بانکی مردم را به سوی بازار مسکن سوق می دهد و در نتیجه باعث تورم می شود. در پاسخ باید گفت که در واقع همان ربوی بودن افزایش سود بانکی، به واقعیت نزدیک تر است. زیرا برخی بانک ها در قبال وامی که به مردم می دهند با بهانه کردن برخی عقود اسلامی- که در واقع بعضاً دور زدن آن ها است- سود آنچنانی و کمرشکن از مشتریان دریافت می کنند. حال به این نکته نیز توجه شود که امروزه بانک ها از نهادهای مهم اقتصادی محسوب می شوند و تصمیم های آن ها بر کل اقتصاد جامعه تأثیر می گذارد. این که بانک ها می گویند بر اساس پیش بینی تورم در سال های آینده، معدل سود را تعیین می کنند، برعکس واقعیت است؛ زیرا بانک ها تورم را پیش بینی نمی کنند بلکه با این اقدامات به تورم دامن می زنند. اتفاقاً چون این اعمال موجب ظلم به همه مردم کشور می شود، مفاسد آن از مفاسد ربای فردی بسیار بیشتر است. به هر طریق مشکل ربای بانک، با تغییر نام آن حل نمی شود، بلکه باید ماهیت کارهای بانک تحول یابد و بر اساس عدالت باشد تا صورت ربا و شبهه ربوی بودن از بین برود.

ایشان سپس با نگاهی روان شناسی- اجتماعی نتیجه می گیرد که اگر سود بانک هر ساله افزایش نیابد، مردم به دنبال سرمایه گذاری مطمئن می گردند و آن گاه بازار مسکن را هدف قرار می دهند. در جواب می گوییم که آری، اگر دولت دست روی دست بگذارد و برای افزایش تعداد مسکن اقدام مناسبی صورت ندهد، طبیعی است که چنین حادثه ای رخ دهد، اما راهکارهای کنترل آن چیست؟ همچنان که برخی کارشناسان اقتصادی گفته اند، امروزه به جرأت می توان اذعان کرد که صنعت مسکن از جمله صنایع مهم است و با همه صنایع در ارتباط است. اگر با توجه به رشد جمعیت برنامه ریزی می شد، شاید ما امروزه معضلی به نام مسکن نداشتیم. خلاصه آن که دولت آقای احمدی نژاد با درک درست صورت مسئله، خود وارد ساخت مسکن شد و امیدوارم که حمایت از ساخت و ساز مسکن با شتاب روز افزون ادامه یابد.

وزیر سابق اقتصاد در بخش دیگری از سخنان خود، با تعجب از وجود مافیا در گمرکات سخن می گوید و وجود مافیا را منکر می شود و بی آن که سند قانع کننده ای عرضه کند به گفته برخی از کارکنان گمرک استنهاد می کند. طبیعی است که مفهوم مافیا همین است که از خود رد پا بر جا نمی گذارد و در ظاهر، قانونی رفتار می کند؛ به همین سبب از کارکنان زحمتکش گمرک انتظار نیست که از مسائل پشت پرده با خبر باشند. اما تعجب درباره ایشان است که چگونه اطلاعات رئیس جمهور را که از طریق وزارت اطلاعات به دست آورده، منکر می شود!

سازمان انتقال خون ایران
IRANIAN BLOOD TRANSFUSION ORGANIZATION (IBTO)

آگهی مناقصه عمومی شماره ۸۷/۱۱۴۰۲

سازمان انتقال خون ایران در نظر دارد ۴۰ دستگاه سانتریفیوژ یخچالدار بانک خون را به شرح ذیل از طریق مناقصه بر مبنای قرار داد ریالی و تحویل درب انبار مرکزی سازمان انتقال خون خریداری نماید.

داوطلبان شرکت در مناقصه می توانند با در دست داشتن معرفینامه ظرف مدت بیست روز از تاریخ نشر این آگهی، در ساعات اداری اسناد مناقصه مشتمل بر شرایط عمومی و اختصاصی را در مقابل ارایه فیش بانکی به مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال که به حساب ۱۰۸ خزانه داری کل بانک مرکزی (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز شده باشد، از سفارشات خارجی سازمان به نشانی: تقاطع بزرگراهای شیخ فضل ا... نوری و شهید همت، جنب برج میلاد، سازمان انتقال خون ایران دریافت نمایند.

پیشنهاد دهندگان باید با توجه به مندرجات اسناد مناقصه، مدارک لازم را تهیه و در پاکتهای سه گانه لاک و مهر شده حداکثر تا ساعت ۸/۳۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۸۷/۴/۲ به نشانی فوق الذکر تسلیم و رسید دریافت نمایند.

پیشنهادهای واصله راس ساعت ۹:۳۰ صبح همان روز در کمیسیون مناقصه به نشانی مذکور، طبقه هفتم، دفتر معاونت اداری و مالی بررسی و نتیجه اعلام خواهد شد.

ضمانتنامه شرکت در مناقصه (وجه التزام) مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی (طبق نمونه پیوست) صادره از یکی از بانکهای معتبر و رسمی تهران (دارای حداقل سه ماه اعتبار از تاریخ ۸۷/۴/۲) می باشد.

ضمنا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۲۰-۸۸۶۰۱۵۰۱ داخلی ۲۳۲۷ و تلفن‌های ۸۸۶۰۱۵۵۸-۸۲۰۵۳۳۲۷ واحد سفارشات خارجی تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی و امور بین الملل سازمان انتقال خون ایران

T/۵۷۷

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران
شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

نوبت دوم

آگهی مزایده عمومی شماره (۸۷/۲۵۱)
(شماره مجوز ۴۱۱۲۸)

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران - اداره فروش مدیریت تدارکات و خدمات کالا در نظر دارد ضایعات مشروحه ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند. متقاضیان شرکت در مزایده می توانند جهت بازدید ضایعات به نشانی: اهواز، خرم کوشک، جنب پمپ بنزین عامری، شرکت خطوط لوله و مخابرات منطقه خوزستان مراجعه نمایند.

ضمنا متقاضیان می توانند جهت دریافت فرمهای پیشنهادی از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۱۴ روز (به استثنا ایام تعطیل) از ساعت ۸ تا ۱۴ به نشانی ذیل مراجعه و فرم پیشنهادی را دریافت نمایند.

تهران، جاده قدیم قم، سه راه خیرآباد، بلوار پژوهشگاه، تاسیسات صنعت نفت ری، اداره عملیات کالا، شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران.

۱- ضایعات و آهن آلات به مقدار حدودا ۴۵۰ تن
۲- بشکه خالی از مواد حدودا ۱۵۰۰ تن
۳- لاستیک فرسوده در اندازه های مختلف حدودا ۲۰۰۰ حلقه
۴- کولر گازی در مارک های مختلف فرسوده و مستعمل ۲۵۰ دستگاه

جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۶۶۱۵۳۳۱۱ تماس حاصل نمایید.

ضمنا فهرست آخرین آگهی های مندرج در روزنامه های کثیر الانتشار از طریق تمایر سیستم تلفن گویا و یا شماره های ۹۲-۸۸۹۰۰۰۹۱ و ۶۶۱۵۴۳۴۲ قابل دسترسی می باشد.

WWW.SHANA.IR

روابط عمومی

T/۶۳۹